نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی سال هجدهم، شماره ۵۰، پاییز۹۷

نفت و دگرش ساختار اقتصاد روستایی مناطق ایران

دریافت مقاله: ۹۶/۷/۱۷ **پذیرش نهایی:** ۹۷/۲/۱۴

صفحات: ۶۰-۳۹

حسن افراخته : استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی و عضو هیئت علمی دانشکده علوم جغرافیایی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران[۱].
afrakhtehh@yahoo.com

محمد حجی پور: دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
mhajipour24@yhoo.com

فرهاد جوان: دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
farhad.javan91@yahoo.cm

چکیده

نفت از دهه‌ی ۱۳۳۰ شمسی به بعد، به تدریج جایگاه خاصی در اقتصاد کشور قرار به عهده داشته و در حال حاضر، عمده‌ترین منبع تأمین‌کننده‌ی نیاز مالی کشور است. با توجه به تقابل متضاد این رانت با بخش سنتی اقتصاد یعنی فعالیت‌های کشاورزی و دامداری که همواره بر شدت آن افزوده شده است، دو سؤال اساس این تحقیق قرار گرفته است: اول اینکه " اثرات توزیع ثروت نفت بین مناطق مختلف بر ساختار اقتصاد روستایی ایران کدامند؟" و دوم "پیامدهای مکانی – فضایی توزیع ثروت نفت در بخش کشاورزی به عنوان عنصر اصلی و غالب در ساختار اقتصاد روستایی ایران چگونه بوده است؟" داده‌های تحقیق با بررسی اسنادی در سطح کشور و در بازه زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۰ جمع‌آوری شده و با تکیه بر روش‌های تحلیل تغییر سهم و گیبز- مارتین مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج نشان داد که مدیریت ملی، منطقه‌ای و محلی، انگیزه چندانی برای تقویت ساختار اقتصاد روستایی با بهره‌گیری از ثروت نفت نداشته است. به علاوه، ضعف بخش صنعت در تحولات ساختاری اقتصاد روستایی و تأکید بر بخش کشاورزی در روستاها -هم به لحاظ سیاست‌گذاری و هم از حیث تأمین اعتبارات- حاکی است که بینش اصولی و منطقی در نظام اقتصاد سیاسی در مواجه با اقتصاد فضاهای روستایی برای توسعه وجود نداشته است.

کلید واژگان: اقتصاد سیاسی، ثروت نفت، توسعه اقتصادی، توسعه دانش‌محور، اقتصاد روستایی.

---

۱. **نویسنده مسئول:** تهران، مفتح جنوبی، دانشگاه خوارزمی، دانشکده علوم جغرافیایی، گروه جغرافیای انسانی.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.8.3]
[DOI: 10.29252/jgs.18.50.39]

مقدمه

مشکلات همیشگی جوامعی همچون کشور ما که در مسیر حیات تاریخی خود، فراز و فرودهایی سخت و دشوار تجربه نموده، ناملایمات و شکست‌های گریبان‌گیری بوده که در قواره‌های مسائل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و زیست‌محیطی بر پیکره‌ی محیط اجتماعی و طبیعی این سرزمین نمایان شده است. مسایل و مصائب هزار رنگ دامن‌گیر جامعه‌ی ایرانی، همواره پرسش‌هایی تکرار شده و اما اساسی بر جان اندیشه‌ی خردورزان و دغدغه‌داران خیراندیش گذارده است از جمله اینکه "چرا علی‌رغم همه‌ی داشته‌های بی‌شمارمان در قیاس با برخی از مللی که متمولند و با نداشته‌های خود، پا به جایگاه رفیع‌تری از ما گذاشته‌اند، ایران هنوز توسعه‌نیافته یا به عبارت دیگر، یک جامعه مترقی و پیشرفته نیست؟"

رشد و توسعه به ویژه در زمینه‌ی اقتصادی از واژگانی است که در سطح بین‌المللی، در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه، میان پژوهش‌گران، برنامه‌ریزان، اقتصاددانان و جامعه‌شناسان به عنوان ستون بحث‌های مرتبط با رهایی از عقب‌ماندگی و شتاب در پیشرفت به کار گرفته می‌شود(خادم آدم،۱۳۷۲الف: ۸۸). تعمق در اوضاع حاکم بر کشور و بازشناسی مشکلات فرارو جهت نیل به توسعه اقتصادی، نشان داده است که نرخ بالای بیکاری، ضعف صادرات، تورم، ضعف سرمایه‌گذاری داخلی، فقر و نابرابری، حجم بزرگ دولت، ضعف بخش خصوصی، عدم توازن منطقه‌ای، وابستگی به نفت و اسراف در مصرف انرژی از جمله مسایلی است که می‌توان از آن‌ها با عنوان «مشکلات و موانع پیشرفت کشور» یادکرد(صارمی،۱۳۸۵: ۲).

در بطن مسایل و مشکلات اقتصادی کشور، وابستگی به نفت از موارد پردامنه و به نوعی، از مسایل بنیادی اقتصاد ایران به شمار می‌رود؛ به گونه‌ای که، دولت‌ها برای انجام وظایف خود به منظور رسیدن به اهداف اقتصادی از قبیل رشد اقتصادی، افزایش اشتغال، توزیع عادلانه درآمد، حفظ سطح عمومی قیمت‌ها، ثبات اقتصادی و بهبود تراز پرداخت‌ها نیازمند تأمین مالی هزینه‌های خود هستند (ابریشمی و همکاران،۱۳۹۲: ۲۲۶) که از ابتدای دهه‌ی ۱۳۳۰ ش. همواره به طور روزافزون، این مهم با بر درآمدهای نفتی تحقق یافته است.

بدین‌سان، درآمدهای نفتی به عنوان یکی از منابع اصلی درآمد دولت در اقتصاد کشور محسوب می‌شود. در واقع، بخش نفت در ایران به دلیل نقش دوگانه‌ای که در تأمین انرژی مورد نیاز برنامه‌های توسعه و رشد اقتصادی از یک سو و تأمین نیازهای ارزی این برنامه‌ها به عهده دارد، نیروی محرکه و بخش کلیدی اقتصاد به شمار می‌رود (گسکری و همکاران،۱۳۸۴: ۷۷؛ باباخانی و همکاران،۱۳۸۱: ۱۲۶-۱۲۵)؛ در این باره نیز، در طول تاریخ پر فراز و نشیب نفت و وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی، عده‌ای آن را مولد توسعه اقتصاد ایران دانسته و برخی نیز از نفت به عنوان مانع توسعه در کشور یاد نموده‌اند (نوبخت،۱۳۸۸: ۳۷).

رشد اندک اقتصادی با وجود امکانات فراوان، به‌ویژه میلیاردها دلار درآمد نفتی و غیر نفتی، معرف وجود خروج سرمایه‌های کشور، اجرای سیاست‌های سرمایه‌گذاری نامناسب و به ویژه سوء مدیریت و اتلاف شدید وقت، مواد، امکانات، ماشین‌آلات، انرژی و مواد اولیه در اقتصاد کشور است (رشیدی،۱۳۸۱: ۱۸۹)؛ این در حالی است که بنا به اعتقاد داگلاس «در ساختار اقتصاد دولتی، تخصیص منابع عمدتا بهینه نیست» (جامساز،۱۳۸۷: ۵۳)؛ در ایران مدیریت‌های اقتصادی قبل و بعد از انقلاب با بهره‌گیری از رانت و ثروت نفتی برای دوره‌های کوتاه مدت و موقتی اقدام به اتخاذ تصمیمات [شبه عقلایی] مانند تأمین کمبود عرضه داخلی از طریق واردات، تأمین ارز لازم

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.8.3]
[DOI: 10.29252/jgs.18.50.39]

برای خرید ماشین‌آلات پیشرفته و تکنولوژی‌های جدید، پرداخت انواع یارانه‌ها برای جلوگیری از افزایش هزینه تولید، فروش ارز برای تأمین بخش مهمی از هزینه‌ها در بودجه، ابراز بی‌نیازی به سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی، تثبیت نرخ ارز بدون توجه به نرخ تورم داخلی(جوادی،۱۳۸۸: ۱) نموده‌اند؛ از این رو است که درآمد و ثروت نفت که یک موهبت الهی است، به سبب استفاده ناکارآمد، به درآمد نفرین‌شده‌ای تبدیل گردیده که نه تنها ما را به رونق و رشد اقتصادی نزدیک نساخته است، بلکه به مانعی در راه پیشرفت اقتصاد کشور مبدل نموده است(جلیلیان،۱۳۸۳: ۲۲).

بهینه‌سازی نقش مخرب نفت در اقتصاد ایران به همراه بهبود روند کاهشی تشکیل سرمایه در بخش‌هایی نظیر صنعت و معدن و کاهش رشد جمعیت بیکار کشور، معلول اقدامات عدیده‌ای است که در میان آن، اصلاح و تغییر ساختارهای اقتصاد، نقش مهمی در کاهش وابستگی کشور به نفت در درازمدت دارد(رشیدی،۱۳۸۱: ۱۹۹؛ جلیلیان،۱۳۸۳: ۲۲)؛ زیرا درآمدهای نفتی با ایفا نمودن نقش کلیدی در ساختار اقتصادی کشورهای صادرکننده‌ی نفت، آثار نامطلوب تکانه‌های آن در بیشتر این کشورها در قالب کند سازی یا صدمه رشد اقتصادی قابل مشاهده است(شیرین‌بخش و مقدس بیات، ۱۳۸۹: ۲؛ ابراهیمی و سالاریان،۱۳۸۸: ۸۰).

اساساً حوزه‌های روستایی به عنوان قاعده‌ی نظام و فعالیت ملی نقش اساسی در توسعه ملی ایفا می‌کنند، چرا که اگر در جریان پیشرفت و توسعه فضاهای روستایی وقفه‌ای ایجاد شود آثار و پیامدهای آن نه تنها حوزه‌های روستایی، بلکه مناطق شهری و در نهایت کلیت سرزمین را در بر خواهد گرفت(رضوانی،۱۳۹۰: ۲). بدین‌سان، از منظر سیستمی یکی از اجزاء مهم در ساختار اقتصاد کشور، زیرسیستم روستایی یا ساختار اقتصاد روستایی است. روند نزولی وضعیت اقتصاد روستاها، جابه‌جایی و مهاجرت‌های گسترده‌ی روستاییان به شهرها، گسترش فقر و بیکاری، عدم امنیت غذایی، قرار گرفتن عمده‌ی جمعیت روستایی در حاشیه نشان می‌دهد که در عمل، اهداف حیاتی توسعه مبنی بر افزایش پایدار درآمد، گسترش اشتغال‌های تولیدی و برقراری متعادل‌تر منافع ناشی از رشد در مناطق روستایی با شکست مواجه شده است(فراهانی،۱۳۸۵: ۳) که به نوعی مؤید ساختار نامناسب اقتصاد روستایی آن است؛ زیرا بر اساس اعتقاد خادم آدم(۱۳۷۲ب: ۹۲) «توسعه اقتصاد روستایی تابعی از رشد اجتماعی جامعه و در ارتباط با تکامل ساختاری روستایی است».

با درک این واقعیت که نفت در تأمین نیاز مالی و ثروت تمامی زمینه‌ها و ابعاد بخشی و فضایی کشور دارای برترین نقش است، پرسش زمینه‌ساز این تحقیق آن است که "آیا در نتیجه‌ی پیوند از پیش برقرار میان نفت با تمامی ارکان ساختار اقتصاد کشور از جمله ساختار اقتصاد روستایی، مدیریت نظام توزیع ثروت نفت در ادوار مختلف به گونه‌ای عمل نموده که از نفت به عنوان یک فرصت جهت سامان‌دهی رو به پیشرفت ساختار اقتصاد روستایی و در نهایت کمک به رشد و توسعه اقتصاد ملی، استفاده نماید؟" در این خصوص کوشش می‌شود به دو سؤال زیر پاسخ داده شود که اولاً "هندسه‌ی توزیع ثروت نفت میان مناطق چه اثراتی بر ساختار اقتصاد روستایی ایران داشته است؟" و دیگر اینکه "پیامدهای مکانی – فضایی توزیع ثروت نفت در بخش کشاورزی به عنوان عنصر اصلی و غالب در ساختار اقتصاد روستایی ایران چگونه بوده است؟"

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.8.3]
[DOI: 10.29252/jgs.18.50.39]

مبانی نظری

تغییرات ساختاری، جایگاه ویژه‌ای در ادبیات توسعه اقتصادی به خود اختصاص داده است به طوری که بسیاری از صاحب‌نظران رشد و توسعه معتقد به وجود وابستگی میان رشد اقتصاد و تغییرات ساختاری بوده و در این خصوص اعتقاددارند به منظور دستیابی به رشد اقتصادی تغییرات ساختاری ضرورت دارد. در این ارتباط، چنری معتقد است «توسعه اقتصادی عبارت است از مجموعه‌ی تغییرات به هم مرتبط در ساختار یک اقتصاد که برای تداوم رشد اقتصادی مورد نیاز است»(Chenery and Srinivasan,1989: 208). بر این اساس، شاخص توسعه اقتصادی، تکامل بافت ساختاری است. در این جریان، استخوان‌بندی ساختار اجتماعی و اقتصادی مناطق، عاملی تعیین‌کننده در کیفیت توسعه به شمار می‌رود. توسعه به مفهوم تقویت بافت ساختار زیربنایی و تولیدی در سطح ملی است. توسعه موزون یعنی بهره‌گیری از داده‌ها در جریانی هماهنگ در تمام سطوح و ابعاد ساختاری. در نهایت نیز، توسعه‌یافتگی با فشردگی بافت مولد ساختاری و برقراری تناسب میان اجزاء تشکیل‌دهنده‌ی آن رابطه‌ای مستقیم دارد؛ همچنین سرعت توسعه از نسبت اندازه تکامل ساختاری در واحد زمان به دست می‌آید(خادم‌آدم،۱۳۷۲الف: ۸۸).

به منظور برون‌رفت از شرایط کم رشد و توسعه‌نیافتگی، اقداماتی چون تحکیم پایه‌های اقتصاد صنعتی، هدایت فرآیند تولید به سمت محصولات استراتژیک، برنامه‌ریزی در جهت اشتغال مولد، توسعه‌ی صادرات غیر نفتی و تعدیل موازنه‌ی بازرگانی و توجه به بخش کشاورزی مورد نیاز دیده شده است (گلابی،۱۳۷۴: ۷۷). البته هنگامی که اقتصاد کشور متکی به بخش کشاورزی است همان‌گونه که خادم‌آدم (۱۳۷۲الف: ۹۳) بیان نموده: «به قصد گذر و نیل به توسعه، روزی باید صنعت و خدمات بر کشاورزی غالب آید». در این راستا، فردریک لیست[1] از معروف‌ترین اقتصاددانان ملی‌گرای آلمانی، مبانی تئوری توسعه خود را این مهم قرار می‌دهد که لازمه‌ی توسعه، فعال‌سازی بخش صنعت و بازرگانی است.

لیست «درجات رشد اقتصادی» یا پرورش اقتصادی را که ما امروزه اصطلاحاً «نوع ساختار اقتصادی» می‌نامیم به چند درجه تقسیم کرده و حتی مدعی شده که بین آن‌ها یک نسبت تاریخی، قهری و ضروری کشف نموده است. این درجات عبارت‌اند از حالت توحش، حالت چوپانی، حالت کشاورزی و کارخانه‌داری، و بالأخره حالت مختلط کشاورزی و کارخانه‌داری و تجارتی. وضع هیچ ملت طبیعی نیست مگر آنکه به مرحله‌ی آخری برسد. مراد این است که رسیدن به این حالت باید کمال مطلوب هر ملتی باشد (ژید و ریست،۲۸۸:۱۳۸۰-۲۸۶)

فردریک لیست (مؤمنی و نقش‌تبریزی،۱۳۹۴: ۱۹۷) معتقد است تنها راه نجات کشور صنعتی شدن است و تا زمانی که یک کشور به صنعت بهاء ندهد و تنها بخواهد از طریق کشاورزی به پیشرفت نائل آید، هرگز موفق نخواهد بود. او صنعت و کشاورزی را دو رکن اساسی توسعه می‌داند که باید در کنار هم و به عنوان مکمل یکدیگر عمل کنند و بازرگانی تنها واسطه مبادله بین کشاورزی و صنعت و نیز میان زیر بخش‌های هر یک از آن‌هاست. لیست، صنعت یک کشور را در ارتباط با کشاورزی و همچنین کشاورزی را در ارتباط با صنعت، موجب رونق هر چه بیشتر فعالیت‌های اقتصادی کشور می‌داند؛ از نظر او کشوری که تنها به کشاورزی اکتفاء دارد، هرگز نمی‌تواند بازرگانی داخلی و خارجی، وسایل و تأسیسات حمل‌ونقل داخلی و دریانوردی خارجی خود

1 -Friedrich List

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.8.3]
[DOI: 10.29252/jgs.18.50.39]

را توسعه داده و درآمد افراد را متناسب با افزایش جمعیت بهبود بخشد. ایشان اعتقاد دارد که صنعتی شدن به هیچ‌وجه به معنی از بین رفتن کشاورزی نیست، بلکه بر عکس موجب تقویت کشاورزی می‌شود.

صنعت وسیله‌ی استفاده و بهره‌برداری از تمام منابع مادی کشور، از آب و باد و معادن و مواد سوختنی آن است. خود کشاورزی نیز از وجود صنعت تحرک جدید می‌یابد. کشاورزان با ترقی بهره‌ی اراضی و افزایش سود و ازدیاد مزدها که نتیجه‌ی توسعه‌ی تقاضای محصولات کشاورزی است، بیش از صنعت‌گران از صنعت منتفع می‌گردند. کارخانه‌ها، به علاوه، بازار ثابت و مطمئنی برای کشاورزی به وجود می‌آورند که نه جنگ و نه مقررات کشورها می‌تواند آن را مانند بازارهای خارجی مسدود سازد. بالأخره صنعت، تقاضاهای گوناگون ایجاد می‌کند و سبب تنوع محصولات کشاورزی می‌شود و تقسیم کار بهتری بین مناطق کشاورزی بر حسب استعداد طبیعی آن‌ها به عمل می‌آورد و حال آن که در وضع کشاورزی محض، هر کس بیشتر برای مصارف شخصی خود تولید ثروت می‌کند و توزیع کار با همه‌ی خاصیت عظیم آن امکان‌پذیر نیست (ژید و ریست، ۱۳۸۰: ۵۰-۴۳).

صنعت سبب افزایش تقاضا برای محصولات کشاورزی می‌شود که در پی این مهم، ارزش زمین به عنوان یکی از بنیان‌های تولید افزایش می‌یابد. از آنجا که برای پرداخت اجاره بیشتر و تأمین هزینه سرمایه و سایر مخارج، تولید و مصرف زیادتر ضرورت می‌یابد؛ کارفرما ممکن است دستمزد بیشتری بپردازد اما در مقابل، کار زیادتری را نیز طالب است که در ادامه‌ی این روند، کارگر تدریجاً احساس می‌کند که در قدرت بدنی او و در مهارتی که بایستی با آن این قدرت را به کار گیرد، عامل بهبود شرایط زندگیش نهفته است (لیست، ۱۳۷۱: ۸۶). ؛ همه جا گسترش زبان و ادبیات ملی، بسط تمدن و مدنیت و تکامل بنیادهای شهری، همگام با توسعه و پیشرفت صنعت و بازرگانی بوده است. در واقع، از صنعت است که توانایی‌های ملی در جهت توسعه بازرگانی خارجی با کشورهای کمتر متمدن نشأت می‌گیرد و توسعه ناوگان بازرگانی و استقرار نیروی دریایی، دستیابی مستملکات و کاربرد مازاد جمعیت در جهت افزودن بر بهروزی و قدرت باز هم بیشتر ملی، امکان‌پذیر می‌شود (لیست، ۱۳۷۱: ۸۷-۸۶).

انباشت درازمدت سرمایه و برخورداری مستمر از ثروت نیز یکی از شرط‌های لازم برای توسعه صنعتی است. در تحلیل‌های کلاسیک از مراحل اولیه‌ی رشد سرمایه‌داری و توسعه‌یافتگی در جهان غرب به مواردی عدیده‌ای اشاره می‌شود که از جمله‌ی آن می‌توان انباشت سرمایه و سوق سرمایه‌ی متراکم شده به سمت تولیدات صنعتی و رشد بخش صنایع سرمایه‌ای و تکامل اقتصاد صنعتی اشاره داشت (گلابی، ۱۳۷۴: ۸۲). بدین‌سان، توسعه نه تنها به اکتساب و نوآوری بلکه به انباشت و نگه‌داری نیز نیاز دارد، خواه ثروت باشد یا حق و امتیاز یا دانش و علم. تمام نظریه‌های عمده‌ی توسعه اقتصادی بر سر این توافق دارند که انقلاب صنعتی نتیجه‌ی انباشت درازمدت سرمایه‌ی تجاری و سرمایه‌ی صنعتی است. بدون این انباشت نه سرمایه‌گذاری لازم در عرصه‌ی تجاری که به یکپارچگی بازار داخلی و گسترش مداوم تجارت خارجی می‌انجامد، صورت می‌پذیرد و نه این فرآیند به تولید کالاهایی می‌انجامد که اختراعات جدید و به‌کارگیری تکنیک‌های تازه در کشاورزی و صنعت را ممکن می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۳۷-۳۰).

کشورهای بهره‌بردار از منابع طبیعی می‌توانند باسیاست به‌کارگیری درآمد حاصل از منابع بهره‌برداری شده در مسیر سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و ساختاری، رشدی قابل‌توجه از صادرات مواد خام به ثبت برسانند و با این

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.8.3]
[DOI: 10.29252/jgs.18.50.39]

روش، ثروت طبیعی و خدادادی خود را به عامل انرژی دهنده‌ی موتور توسعه مبدل سازند (خادم‌آدم،۱۳۷۲الف: ۸۹). در خصوص کشورهای نفت‌خیز سابقه تاریخی نشان داده است که یکی از ویژگی‌های اقتصادهای نفتی، مواجهه با بیماری هماهنگی در این اقتصادها است؛ به طوری که افزایش قیمت نفت و افزایش درآمدهای نفتی، ثروت آن کشور را افزایش می‌دهد و این افزایش ثروت موجب تقویت و رشد بخش غیرقابل مبادله اقتصاد و تضعیف بخش قابل مبادله اقتصاد می‌شود، یعنی فعالیت‌هایی از قبیل بخش خدمات و بخش ساختمان که در معرض رقابت بین‌المللی نیستند، رشد می‌کنند؛ اما فعالیت‌هایی مانند بخش صنعت که در بازارهای بین‌المللی در سطح گسترده‌ای مبادله می‌شوند و دچار رکود می‌گردند(Bruno & Sachs ,1982 به نقل از کریم‌زاده و همکاران،۱۳۸۸: ۱۴۸ـ۱۴۹).

بر این اساس، تولید که هم عامل و هم معلول پیشرفت اقتصاد است، در اقتصاد نفتی و رانتی متأثر از نوسانات و تکانه‌های درآمدهای نفتی است. در واقع، گرچه تولید مهمی است اما هر تولیدی فعل مقدس نیست و اگر کشوری در ردیف اول تولیدکننده نباشد، به آسانی تولید موفقی نخواهد داشت؛ امروزه، تولید کشت برنج (به عنوان محصولی کشاورزی) و یا تولید آفتابگردان (به عنوان فرآورده صنعتی) به شرطی موفق خواهد بود که تیراژ جهانی داشته باشد. شرکت نوکیا، فنلاند را مرفه و ثروتمند کرده است نه فعالیت الوار فروشی که مدت‌ها صادرات اصلی کشور بوده است (امیرخانی،۱۳۹۴: ۱۶۷-۱۷۷). در ارتباط با کشورهای نفت‌خیز به جز موارد استثناء (مانند کشور نروژ)، عمدتاً تولید با وضع یادشده مواجه است یعنی به معنای واقعی کلمه، تولیدی که باعث رشد و پیشرفت جامعه باشد و سرانجامی ختم به توسعه داشته باشد، وجود ندارد.

قاعده‌ی کلی این است که گسترش و پیشرفت در هر سه بخش اقتصادی، یعنی کشاورزی پویا، صنعت مکمل کشاورزی و بالعکس و نیز خدمات، در گرو دانایی محوری است. در نظام‌هایی که با محوریت درآمدهای مالیاتی اداره می‌شوند، مجبورند که دموکراسی بیشتری را در جامعه خود پذیرا باشند و مردم هم در قبال مالیاتی که می‌پردازند، کنترل و نظارت جدی بر این نظام‌ها اعمال کنند. اما در نظام‌های متکی بر نفت، این کنترل‌ها و نظارت‌ها در سطح نازل‌تری است، چون اتکای این نظام‌ها نه بر ثروتی است که از سوی مردم تأمین می‌شود، بلکه بر ثروت خدادادی است؛ لیکن چگونگی توزیع منافع حاصل از این ثروت خدادادی، مسئله‌ای در خور توجه و عنایت جدی در این‌گونه کشورها است که توزیع نامناسب و غیرعادلانه این ثروت خدادادی، عوارضی در پی داشته است.

در بین رویکردهای نظری موجود درباره جایگاه یک صنعت استخراجی تک محصولی، رویکردهای چندوجهی و چندبعدی و به طور مشخص، ایده‌هایی که در چارچوب اقتصاد سیاسی رانتی مطرح می‌شود، از قدرت بیشتری برخوردارند. جامعه‌ای که منبع اصلی و اتکای دولت و ملت، بر یک صنعت استخراجی تک محصولی است، با مجموعه‌ای از بیماری‌ها و عوارض روبروست. در چنین شرایطی، بخش‌های مولد، مقهور بخش‌هایی می‌شوند که غیرمولدند. در زایندگی و بالندگی و در یک ساخت سلسله مراتبی، خسارت‌هایی که به بخش‌های کشاورزی وارد می‌شود، به مراتب شدیدتر از بخش صنعت است؛ بخش کشاورزی مقهور زیاده‌خواهی‌های غیرمولد قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، انگیزش‌های کافی برای دانایی به وجود نمی‌آید و به دلایل متعدد در اقتصاد سیاسی رانتی، نیاز بسیار کمی به دانش‌اندوزی، تحقیق، توسعه، و نوآوری پیدا می‌شود. در چنین شرایطی ملت نیز

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.8.3]
[DOI: 10.29252/jgs.18.50.39]

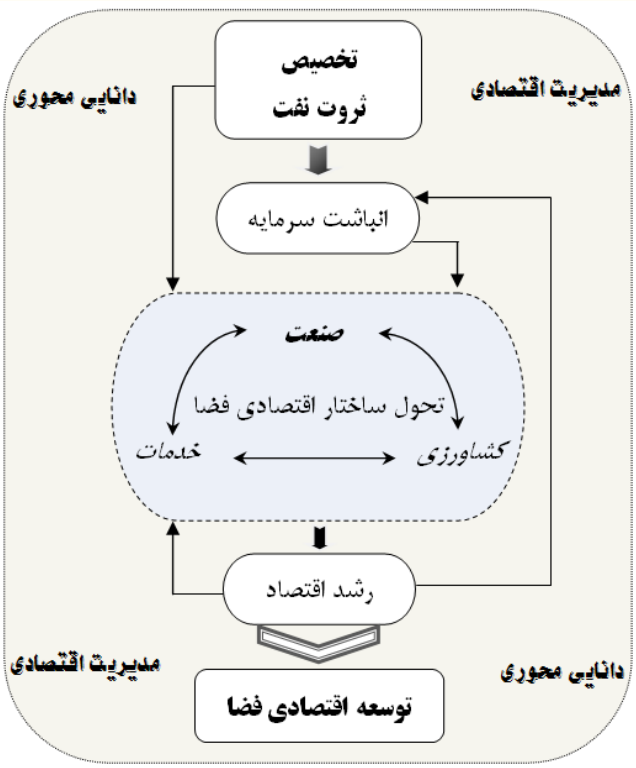
رانتی شده و نسبت به کارهای مولد، اکراه پیدا می‌کند و علائم و آثار بیماری درونی در اجزای پیکره اقتصاد ملی خود را نشان می‌دهد (مؤمنی،۱۳۸۱:۱۳).

با توجه به ارتباط ارگانیکی نظام روستایی با نظام سرزمینی می‌توان گفت از حیث واقعیت جغرافیایی، توسعه و پیشرفت در ابعاد اقتصاد ملی منوط به رشد و پیشرفت جزئی مهم همچون اقتصاد روستایی است. توسعه اقتصاد روستایی تابعی از رشد اجتماعی جامعه و در ارتباط با تکامل ساختاری روستایی است. در واقع یکی از شاخص-های سرعت توسعه، سرعت رشد ساختارها، زیربناها و نیز شتاب در افزایش سهم بخش‌های صنایع و خدمات در اقتصاد روستایی است (خادم‌آدم،۱۳۷۲ب: ۹۲).

یکی از ملاک‌های توسعه اقتصادی این است که ساختار اقتصادی به گونه‌ای باشد که جمعیت شاغل در بخش کشاورزی به سایر بخش‌ها کشیده شوند؛ به طوری که، در مراحل اولیه توسعه به موازات فعالیت‌های زیربنایی و ساختاری تحت حمایت بخش کشاورزی از طریق آزاد کردن نیروی انسانی و سرمایه، حرفه‌های فنی و پیشه-های صنعت‌گری و صنایع سبک رونق می‌گیرد. به عبارتی، در شروع تحولات، صنایع خانگی زمینه اندیشه فنی را فراهم می‌کنند و سپس حرفه‌ها و صنایع کارگاهی، پایه‌های مهارت صنعتی را می‌ریزند. در گام‌های بعدی تأثیر متقابل تکنولوژی، نوآوری و تکنیک‌های پیشرو و افزایش و توان دانش و قدرت ابداع افراد شدت می‌یابد. از همین مرحله، برنامه‌ریزی و طراحی ترکیب حرفه‌ها، صنایع و درجه‌ی تکنولوژی، تکنیک‌ها و نوآوری‌ها در چارچوب ساختار و با توجه به اصل سازواری[1] ساختاری، از حساسیت برخوردار خواهد بود و عاملی تعیین کننده در میزان سرعت توسعه مناطق روستایی و در نتیجه توسعه در سطح ملی شمرده خواهد شد. به موازات این روند، بخش کشاورزی نیز راه پیشرفت را می‌پیماید (خادم‌آدم،۱۳۷۲ب: ۹۴-۹۲). به طور کلی از اهم مزایای توسعه صنعت در فضاهای روستایی که در پی مهندسی صحیح توزیع ثروت و سرمایه‌های نفت باشد، می‌توان به مواردی چون توسعه‌ی فرصت‌های شغلی در مناطق روستایی، توزیع عادلانه درآمد، کاهش شکاف درآمدی بین شهر و روستا، کاهش فقر، کاهش مهاجرت، افزایش صادرات و کاهش واردات و کمک در تسریع توسعه کشاورزی اشاره داشت شکل(۱)(مطیعی‌لنگرودی و نجفی‌کانی،۱۳۹۰: ۱۰).

۱- یعنی تزریق تکنولوژی، دانش و نوآوری در حدی باشد که هم از طرف جامعه هدف (روستائیان) دارای قابلیت فهم و آموختن باشد و هم عملکرد مثبتی در ساختار موجود داشته باشد.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.8.3]
[DOI: 10.29252/jgs.18.50.39]



شکل(۱). مدل مفهومی تحقیق

روش تحقیق

در این تحقیق با رویکردی اثبات‌گرایانه که دارای ماهیتی کاربردی بوده، به پیگیری هدف تحقیق پرداخته شده است. اطلاعات از منابعی همچون مرکز آمار ایران، بانک مرکزی ایران، اسناد معاونت حقوقی ریاست جمهوری و سازمان بازرسی کل کشور در قالب شاخص‌های کلانی همچون اشتغال، ارقام بودجه منطقه‌ای کشور در سال-های ۹۰-۱۳۸۵، ارزش افزوده تولیدشده در بخش کشاورزی و محتوای برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه گردآوری شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای SPSS و GIS استفاده شده است.

هر ساختاری مجموعه‌ای از اجزاء است که تغییر و تحول در این ساختار، معلول تغییر در اجزای سازنده‌ی آن است. در تحلیل ساختار اقتصاد فضا، سنجه‌های متعددی از جمله درآمد، تولید، صادرات و گرایش پول را می-توان به کار بست (زیاری،۱۳۸۹: ۱۲۳). در کشورهایی نظیر ایران که نظام آمار و اطلاعات با محدودیت جدی مواجه است، در ارتباط با سکونتگاه‌های روستایی جامعیت و موجودیت اطلاعات در مقیاس کلان نسبت به فضاهای شهری در سطح نازل‌تری قرار دارد، اغلب از شاخص اشتغال استفاده می‌شود. در این تحقیق نیز به منظور قیاس فضایی تغییر و تحولات ساختار اقتصاد روستایی مناطق کشور در دو مقیاس اقتصاد مرجع (ملی) و اقتصاد درون فضایی (استانی) شاخص اشتغال طی دوره ۹۰-۱۳۸۵ مربوط به سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات در روستاهای کشور به کار گرفته است. همچنین، به منظور شناخت و تحلیل پیامدهای توزیع منطقه-

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.8.3]
[DOI: 10.29252/jgs.18.50.39]

ای نفت بر بخش کشاورزی در مقیاس اقتصاد مرجع، شاخص تولید ارزش افزوده بخش کشاورزی مناطق طی دوره ۹۰-۱۳۸۵ در نظر گرفته شد. در تحلیل شاخص‌های اقتصاد یادشده، از دو روش "انتقال- سهم" و "روش گیبز- مارتین" استفاده شده است.

روش تحلیل تغییر سهم[1]

به منظور تحلیل روند تغییر و تحولات ساختار اقتصاد در واحدهای فضایی، روش‌ها و مدل‌های معتنابهی در چارچوب اقتصادسنجی فضایی دخالت داشته که یکی از رایج‌ترین این مدل‌ها، تحلیل تغییر سهم است. تحلیل تغییر سهم یک ابزار کاملاً مفهومی است که برای ارزیابی قوت و ضعف اقتصاد مناطق با استفاده از متغیرهای مختلفی نظیر اشتغال، فروش و یا درآمد به کار گرفته می‌شود. از مزایای این تکنیک می‌توان به مقایسه منطقه مورد بررسی با سطح کلان‌تر با جزئیات بیشتر و قابل‌اطمینان‌تر اشاره نمود. روش انتقال- سهم مرکب از سه جزء "رشد ملی"، "ساختار و ترکیب فعالیت‌ها" و در نهایت "مزایای رقابتی در فعالیت‌ها" است. انجام محاسبات در چارچوب این مدل به شرح رابطه های(۱و۲و۳) می باشد (Knudsen,2000؛ وانگ و هوفه،۱۳۹۰: ۳۱۴-۳۱۸؛مهرگان و همکاران،۱۳۸۹: ۹۸):

گام اول، رشد اقتصاد مرجع (A): رابطه(۱)

$$A = \frac{\mathrm{TE}^*}{\mathrm{TE}} - 1$$

گام دوم، ساختار و ترکیب فعالیت‌ها (B):رابطه(۲)

$$B = \frac{TE_i^*}{TE_i} - \mathrm{A}$$

گام سوم، مزایای رقابتی در فعالیت‌ها (C):رابطه(۳)

$$C = \frac{e_i^*}{e_i} - \mathrm{B}$$

(TE)= کل اشتغال در اقتصاد مرجع ابتدای دوره؛ (TE^*)= کل اشتغال در اقتصاد مرجع انتهای دوره؛ (TE_i)= اشتغال بخش i در اقتصاد مرجع ابتدای دوره؛ (TE_i^*)= اشتغال بخش i در اقتصاد مرجع انتهای دوره؛ (e_i)= اشتغال بخش i در اقتصاد منطقه ابتدای دوره؛ و (e_i^*)= اشتغال بخش i در اقتصاد منطقه انتهای دوره. در نتیجه، هرچه میزان C بیشتر باشد، می‌توان گفت که منطقه یا استان در یک بخش خاص اقتصادی رشد بیشتری نسبت به رشد اقتصاد کشور در همان بخش داشته است و منفی بودن این مقدار نیز به این معنی است که رشد اقتصاد در بخش مربوطه در آن استان یا منطقه نسبت به رشد اقتصاد آن بخش در سطح کشور کمتر بوده است.

1 -Shift-Share Analysis

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.8.3]
[DOI: 10.29252/jgs.18.50.39]

روش گیبز - مارتین

روش گیبز – مارتین برای محاسبه تنوع فعالیت‌های اقتصادی در واحدهای فضایی یا به عبارتی، بررسی ساختار اقتصاد در مقیاس محلی استفاده می‌شود. در به‌کارگیری این شاخص می‌توان هم از میزان تولید و هم بر اساس میزان اشتغال یا درصد اشتغال استفاده نمود که از رابطه (۴) به دست می‌آید (کلانتری،۱۳۹۱: ۱۱۶-۱۱۵):

رابطه(۴)

$$C = 1 - \frac{\sum X^2}{(\sum X)^2}$$

(C)= شاخص تنوع فعالیت‌های اقتصادی؛ (X)= درصد یا میزان تولید یا تعداد شاغلان در فعالیت‌های اقتصادی در یک منطقه؛ در نهایت، از محاسبه شاخص گیبز – مارتین عددی بین صفر و ۰,۹ به دست می‌آید که صفر معرف نبود تنوع و تک‌ساختی بودن اقتصاد منطقه و ۰,۹ معرف حداکثر تنوع و ترکیب در ساختار اقتصاد است.

نتایج

الف) ثروت نفت در مناطق ایران

مطالعه‌ی اسناد بودجه‌ای و مالی کشور نشان می‌دهد جدول(۱) در سال ۱۳۸۵ بین مناطق ایران، استان قم با رقمی برابر با ۲۶۴۳۲۰ میلیون ریال کمترین میزان سهم از ثروت نفت را دریافت کرده است و در همین سال، بالاترین میزان دریافتی از منابع ثروت ملی (نفت) برابر با ۱۹۹۵۸۴۰ میلیون ریال بوده که از سوی استان خوزستان دریافت شده است. متوسط سهم مناطق ۳۱ گانه از ثروت نفت ایران در سال ۱۳۸۵ برابر با ۶۷۴۳۵۶ میلیون ریال برآورد شده است. در سال ۱۳۹۰ نیز کمترین میزان دریافتی از درآمدهای نفتی میان مناطق ایران مربوط به استان قم در حدود ۸۰۰۰ میلیون ریال بوده است و بالاترین سهم دریافتی از نفت در مقایسه با دیگر استان‌های کشور در همین سال، به استان سیستان و بلوچستان با ۳۷۰۵۶۱۳ میلیون ریال بوده است.

جدول(۱). میزان ثروت توزیع‌شده‌ی نفت میان مناطق ایران (میلیون ریال)

سال	حداقل	حداکثر	میانگین
*۱۳۸۵	۲۶۴۳۲۰	۱۹۹۵۸۴۰	۶۸۴۳۵۶
۱۳۹۰	۸۰۰۰	۳۷۰۵۶۱۳	۱۰۵۹۸۳۱

* اثر تورم در ارقام سال ۱۳۸۵به کمک شاخص قیمت کالا و خدمات تعدیل گردیده است.

منبع: معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰.

خوشه‌بندی استان‌های ایران به لحاظ میزان دریافت ثروت نفت در سال ۱۳۸۵ جدول(۲) نشان داد عمده‌ی مناطق در خوشه‌ی برخورداری کم قرار داشته‌اند. ۱۱ استان نیز در طبقه‌ی برخورداری متوسط و تنها یک استان برخوردار یا به عبارتی، با بالاترین میزان دریافت از ثروت نفت وجود داشته است که به نوعی حاکی از ناهمگنی یا به تعبیر دیگر، نابرابری شدید در عدالت فضایی میان مناطق کشور از حیث دریافت ثروت نفت بوده

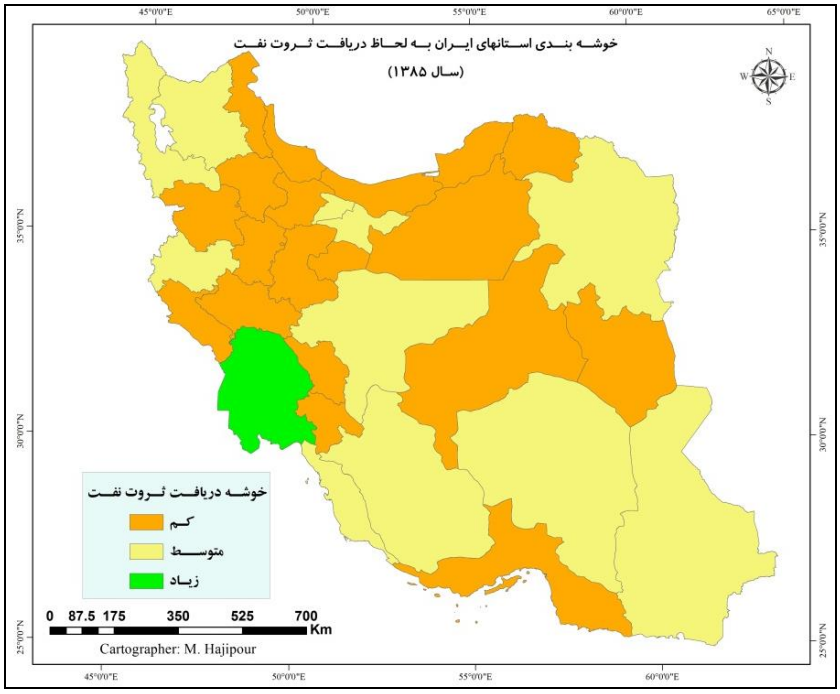
[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.8.3]
[DOI: 10.29252/jgs.18.50.39]

است. وضعیت استان‌های ایران به لحاظ قرارگیری در خوشه دریافت ثروت نفت در سال ۱۳۸۵ در شکل(۲) نشان داده شده است.

جدول(۲). خوشه‌بندی استان‌های ایران به لحاظ میزان دریافت ثروت نفت در سال ۱۳۸۵

نام خوشه	سطح برخورداری	مرکز خوشه (میلیون ریال)	تعداد عضو (استان)
L	کم	۴۶۹۱۰۳	۱۸
M	متوسط	۹۳۶۹۳۱	۱۱
H	زیاد	۱۹۹۵۸۴۰	۱

منبع: یافته های تحقیق، ۱۳۹۵.



شکل(۲). نقشه خوشه‌بندی استان‌های ایران به لحاظ دریافت ثروت نفت در سال ۱۳۸۵

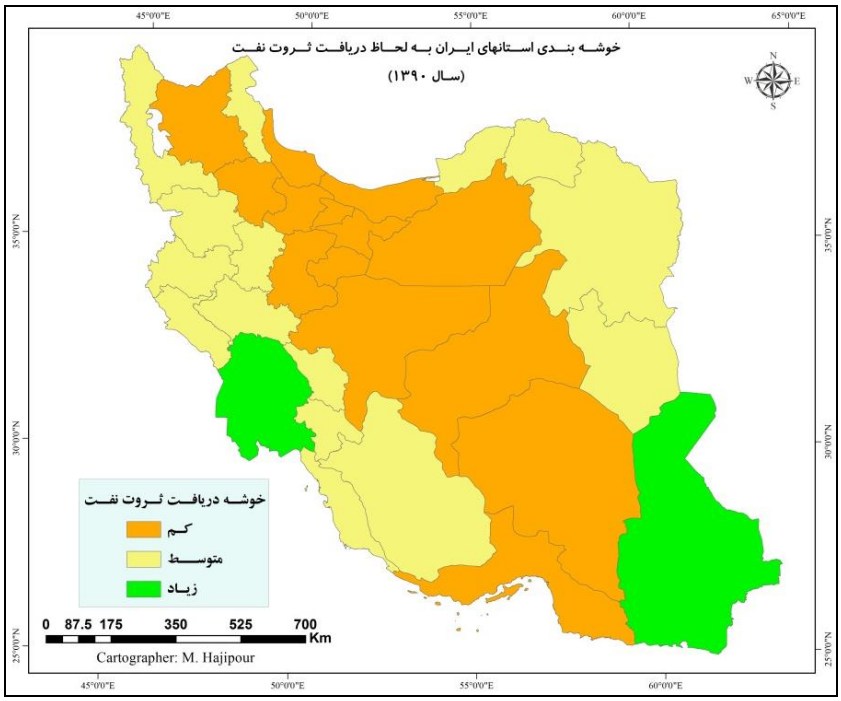
گروه‌بندی استان‌های کشور بر اساس میزان دریافت از ثروت نفت در سال ۱۳۹۰ نیز جدول(۳) نشان داد، همچون سال ۱۳۸۰ الگوی حاکم بر توزیع ثروت میان استان‌ها، مؤید مدلی ناهمگن و نابرابری‌ساز بر فضا استیلا دارد البته تاحدودی وضعیت نسبت به ابتدای دوره مورد مطالعه تعدیل شده است؛ به طوری که تعداد استان-های واقع در خوشه‌ی برخورداری کم به ۱۴ استان کاهش یافته است و در عوض، سهم مناطق قرارگرفته در خوشه متوسط و زیاد، افزایش داشته است. در شکل(۳) وضعیت استان‌ها به لحاظ قرارگیری در خوشه‌های برخورداری از ثروت نفت در سال ۱۳۹۰ به نمایش گذاشته شده است.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.8.3]
[DOI: 10.29252/jgs.18.50.39]

جدول(۳). خوشه‌بندی استان‌های ایران به لحاظ میزان دریافت ثروت نفت در سال ۱۳۹۰

نام خوشه	سطح برخورداری	مرکز خوشه (میلیون ریال)	تعداد عضو (استان)
L	کم	۲۳۹۲۴۱	۱۴
M	متوسط	۱۴۹۱۳۱۸	۱۵
H	زیاد	۳۵۶۷۸۰۷	۲

منبع: یافته های تحقیق، ۱۳۹۵.



شکل(۳). نقشه خوشه‌بندی استان‌های ایران به لحاظ دریافت ثروت نفت در سال ۱۳۹۰

بررسی روند تغییرات رشد دریافت ثروت نفت از سوی استان‌های کشور طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ نشان داد.جدول(۴) متوسط رشد برای کل مناطق ایران مثبت ۰,۶۸ بوده است. همچنین اینکه دریافت ثروت از سوی ۱۶ استان ایران، دارای رشد مثبت بوده و در بالاترین سطح رشد نیز به ترتیب استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی و کهگیلویه و بویراحمد قرار داشته است. از سوی دیگر، کمترین میزان رشد مربوط به استان-های تهران، البرز، قم و مرکزی بوده است. دراین‌باره می‌توان گفت که توزیع درآمدهای نفتی میان استان‌های کشور علاوه بر اینکه به لحاظ حجم و سهم دریافتی نامتقارن و ناموزون است، مدیریت توزیع ثروت نفت نتوانسته است آهنگ یکنواختی از توجه به مناطق به خصوص در تخصیص سرمایه در پیش گیرد .

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.8.3]
[DOI: 10.29252/jgs.18.50.39]

جدول(۴). رشد دریافت ثروت نفت در مناطق ایران طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۵

استان	رشد	استان	رشد
سیستان و بلوچستان	۳،۵۸	کرمان	-۰،۰۱
خراسان جنوبی	۲،۹۷	هرمزگان	-۰،۰۴
کهگیلویه و بویراحمد	۲،۹۵	خراسان رضوی	-۰،۱۸
لرستان	۲،۶۷	یزد	-۰،۳۷
گلستان	۲،۱۱	زنجان	-۰،۳۷
خراسان شمالی	۲،۰۳	مازندران	-۰،۵۳
ایلام	۱،۷۸	قزوین	-۰،۵۹
اردبیل	۱،۶۳	آذربایجان شرقی	-۰،۶۰
بوشهر	۱،۵۳	سمنان	-۰،۶۰
کردستان	۱،۵۱	اصفهان	-۰،۶۴
چهارمحال و بختیاری	۱،۳۳	گیلان	-۰،۶۷
همدان	۱،۰۱	مرکزی	-۰،۷۷
آذربایجان غربی	۰،۹۴	قم	-۰،۹۷
کرمانشاه	۰،۷۷	تهران	-*۰،۹۹
خوزستان	۰،۷۲	البرز	
فارس	۰،۲۳	میانگین رشد در دوره	۰،۶۸

*از آنجا که در سال ۱۳۸۵ استان البرز با تهران یکی بوده، رشد این استان باهم در نظر گرفته شده است.

منبع: یافته های تحقیق، ۱۳۹۵.

ب) تغییرات و تحولات ساختار اقتصاد روستایی مناطق ایران

اشتغال یکی از شاخص‌های بیان‌کننده‌ی وضعیت ساختار اقتصاد فضا است. در بررسی تغییر و تحولات ساختار اقتصاد روستایی مناطق ایران با بهره‌گیری از مدل تحلیلی انتقال- سهم طی دوره ۹۰-۱۳۸۵، یافته‌ها نشان داد جدول (۵) در اقتصاد روستایی ۱۹ استان کشور، بخش کشاورزی با روند منفی جمعیت شاغلین مواجه بوده و تنها در ۱۲ استان می‌توان شاهد گرایش مثبت به بخش کشاورزی یا به عبارتی، رشد بخش کشاورزی در جریان رقابت با دیگر فعالیت‌های اقتصادی فضا بود. در بخش صنعت نیز، ۲۱ استان دارای گرایش منفی و ۱۰ استان از روند مثبت انتقال سهم برخوردار بوده است. همچنین بخش خدمات در اقتصاد روستایی نیز در ۱۹ استان دارای گرایش منفی و در ۱۲ استان دارای گرایش مثبت بوده است. در مجموع می‌توان گفت، ساختار اقتصاد فضای روستایی کشور با عناصر کلانی همچون فعالیت‌های بخش کشاورزی، صنعت و خدمات، در زیرمجموعه اقتصاد مرجع، به نوعی برون‌سپاری نیروهای حیات‌بخش اقتصاد به فضاهایی غیر از سکونتگاه‌های روستایی دچار است. به عبارت دیگر، حجم و اندازه نظام از پیش ساختار یافته‌ی اقتصاد روستایی مناطق ایران در مسیر تنزل و افول قرار دارد یعنی رشد اقتصاد روستایی، در بسیاری از مناطق منفی و در مناطق دیگر ناچیز

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.8.3]
[DOI: 10.29252/jgs.18.50.39]

و اندک بوده است که حکایت از ساخت ضعیف آن دارد؛ در این جریان نیز، سهم بخش صنعت روستایی مناطق ایران در رشد منفی بیش از دو بخش کشاورزی و خدمات بوده است. از آنجا که ماهیت صنایع در ایران به طور کلی چندان پیشرفته نبوده و عمدتاً کارگربر است، می‌توان با اطمینان و یقین بیشتری استدلال نمود که انتقال و برون‌سپاری نیروی‌کار از بخش صنعت در فضاهای روستایی ایران، معلول رکود در فعالیت‌های صنعتی روستاها و برچیده شدن آن است تا پیشرفت تکنولوژی صنعت روستایی و به تبع، آزادسازی نیروی کار.

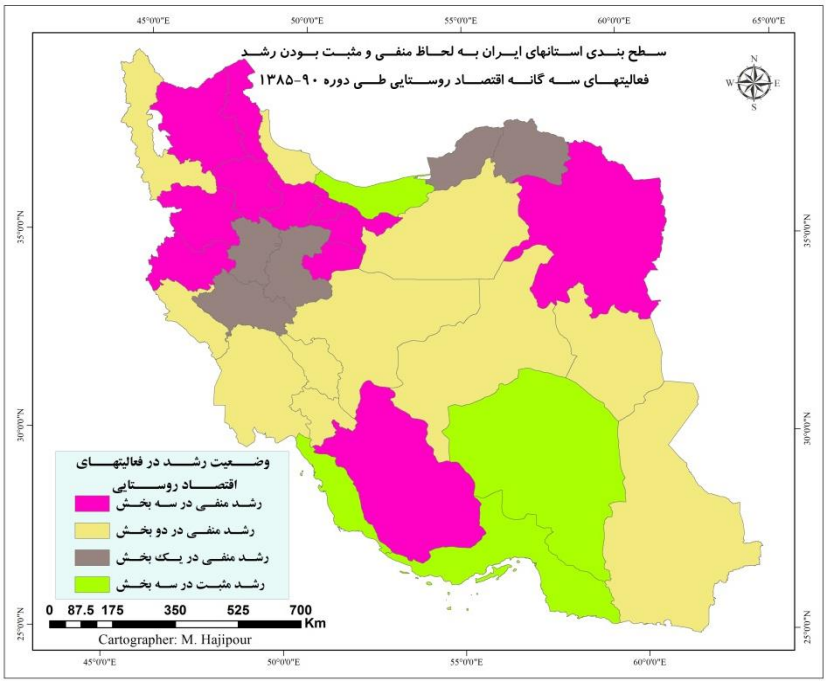
در مقایسه منطقه‌ای اقتصاد روستایی در ایران شکل (۴) می‌توان شاهد بود که در استان‌های آذربایجان شرقی، اردبیل، البرز، تهران، خراسان رضوی، زنجان، فارس، قزوین، قم، کردستان و استان کرمانشاه رشد اقتصاد روستایی در هر سه بخش منفی بوده است. از سوی دیگر نیز، تنها در چهار استان بوشهر، کرمان، مازندران و هرمزگان است که رشد اقتصاد روستایی مناطق در هر سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات دارای رویه‌ای مثبت بوده و البته به لحاظ سطح و میزان، رقم رشد اقتصاد روستایی این مناطق در مجموع بسیار کم و در سطح پایینی مشاهده می‌شود.

جدول(۵). وضعیت انتقال ـ سهم فعالیت‌های اقتصاد نواحی روستایی مناطق ایران طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۵

استان	کشاورزی	صنعت	خدمات	استان	کشاورزی	صنعت	خدمات
آذربایجان شرقی	-۰,۱۴۷	-۰,۰۶۴	-۰,۱۱۸	فارس	-۰,۱۵۴	-۰,۰۸۶	-۰,۱۰۹
آذربایجان غربی	-۰,۱۹۹	۰,۰۵۷	-۰,۰۴۸	قزوین	-۰,۱۰۲	-۰,۰۷۸	-۰,۰۲۴
اردبیل	-۰,۲۱۳	-۰,۰۵۵	-۰,۱۱۱	قم	-۰,۲۷۲	-۰,۰۷۲	-۰,۰۴۴
اصفهان	-۰,۰۸۳	-۰,۱۳۱	۰,۰۰۶	کردستان	-۰,۱۴۷	-۰,۰۰۵	-۰,۱۴۴
البرز	-۰,۴۴۶	-۰,۱۷۹	-۰,۲۱۰	کرمان	۰,۳۲۱	۰,۱۳۲	۰,۰۷۴
ایلام	۰,۲۸۶	-۰,۱۳۰	-۰,۰۲۸	کرمانشاه	-۰,۰۲۱	-۰,۰۶۱	-۰,۰۸۰
بوشهر	۰,۰۸۸	۰,۰۰۷	۰,۱۵۴	کهگیلویه و بویراحمد	۰,۳۶۸	-۰,۱۳۶	-۰,۰۸۶
تهران	-۰,۴۴۶	-۰,۱۷۹	-۰,۲۱۰	گلستان	-۰,۲۷۹	۰,۱۹۸	۰,۱۲۶
چهارمحال و بختیاری	۰,۱۲۸	-۰,۱۱۲	-۰,۱۱۶	گیلان	۰,۰۶۸	-۰,۰۲۷	-۰,۱۶۲
خراسان جنوبی	۰,۰۳۳	-۰,۰۴۲	-۰,۲۰۱	لرستان	۰,۱۴۲	۰,۰۳۴	-۰,۰۹۸
خراسان رضوی	-۰,۲۰۹	-۰,۰۲۰	-۰,۰۲۶	مازندران	۰,۰۵۹	۰,۰۴۸	۰,۰۳۹
خراسان شمالی	-۰,۲۵۰	۰,۱۵۳	۰,۰۷۸	مرکزی	-۰,۱۸۷	۰,۰۳۷	۰,۰۱۴
خوزستان	۰,۰۳۹	-۰,۲۴۳	-۰,۰۹۸	هرمزگان	۰,۱۱۱	۰,۱۳۷	۰,۰۳۵
زنجان	-۰,۱۷۴	-۰,۰۸۵	۰,۰۷۸	همدان	-۰,۱۳۷	۰,۰۳۹	۰,۱۱۶
سمنان	-۰,۱۱۹	-۰,۰۵۰	۰,۰۲۸	یزد	-۰,۲۱۶	-۰,۱۹۲	۰,۱۶۸
سیستان و بلوچستان	۰,۶۴۸	-۰,۲۹۷	-۰,۲۹۱				

منبع: یافته های تحقیق، ۱۳۹۵.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.8.3]
[DOI: 10.29252/jgs.18.50.39]



شکل(۴). نقشه سطح‌بندی استان‌های ایران به لحاظ منفی و مثبت بودن رشد فعالیت‌های سه گانه اقتصاد روستایی طی دوره ۹۰-۱۳۸۵

محاسبه ضریب تنوع در فعالیت‌ها و ساختار کلان اقتصاد روستایی مناطق کشور با استفاده از روش گیبز – مارتین جدول (۶) نشان داد در ابتدای دوره‌ی مورد بررسی یعنی سال ۱۳۸۵، متوسط میزان تنوع برای کل مناطق روستایی ایران دارای رقمی برابر با ۰,۳۸۸ بوده که این رقم با رشدی برابر ۴,۶ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۰,۴۰۶ افزایش یافته است. از این رو می‌توان گفت، در مجموع تغییرات ساختار و ترکیب کلان اقتصاد روستایی کشور دارای حرکتی رو به تنوع و پیچیده‌تر شدن داشته است. همچنین یافته‌ها حاکی است در سال ۱۳۸۵ استان‌های آذربایجان شرقی، کهگیلویه و بویراحمد و مازندران به ترتیب دارای کمترین میزان تنوع در ساختار اقتصاد روستایی بوده است؛ از طرف دیگر، استان‌های اردبیل، کردستان و خراسان شمالی نیز به ترتیب از بیش‌ترین ضریب تنوع برخوردار می باشد.. روند تغییرات نشان می‌دهد که در پایان دوره، مرتبه‌ی قرارگیری استان‌ها به لحاظ تنوع در فعالیت‌ها و ساختار اقتصاد روستایی تغییر داشته به طوری که در سال ۱۳۹۰، به ترتیب استان‌های آذربایجان شرقی، یزد و اصفهان از کمترین میزان تنوع و استان‌های کرمان، سیستان و بلوچستان و کرمانشاه از بیش‌ترین سطح تنوع برخوردار بوده است. دراین‌باره می‌توان گفت، تغییر و تحولات تنوع فعالیت‌های اقتصاد فضا در نواحی روستایی مناطق ایران به گونه‌ی بوده که به نسبت هر چه بر درجه‌ی صنعتی بودن شهرها افزوده شده، در عوض روستاها از تنوع کمتر فعالیت‌های اقتصادی یا به تعبیر دیگر، ساختار کمتر پیچیده‌ی اقتصاد فضا برخوردار شده‌اند.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.8.3]
[DOI: 10.29252/jgs.18.50.39]

جدول(۶). ضریب تنوع فعالیت در اقتصاد روستایی مناطق ایران طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۵

استان	۱۳۸۵	۱۳۹۰	درصد تغییرات	استان	۱۳۸۵	۱۳۹۰	درصد تغییرات
آذربایجان شرقی	۰,۳۷۸	۰,۳۹۳	۴,۱	فارس	۰,۳۵۹	۰,۳۷۳	۳,۹
آذربایجان غربی	۰,۴۴۱	۰,۴۳۲	-۱,۹	قزوین	۰,۳۷۶	۰,۳۹۴	۴,۷
اردبیل	۰,۴۶۰	۰,۴۶۹	۱,۹	قم	۰,۳۸۶	۰,۳۷۸	-۲,۱
اصفهان	۰,۳۴۱	۰,۳۳۸	-۰,۹	کردستان	۰,۴۵۰	۰,۴۷۲	۴,۸
البرز	-	۰,۳۴۲	-	کرمان	۰,۴۳۹	۰,۵۰۸	۱۵,۷
ایلام	۰,۳۸۵	۰,۴۷۱	۲۲,۴	کرمانشاه	۰,۴۳۷	۰,۴۸۲	۱۰,۳
بوشهر	۰,۳۵۴	۰,۳۴۸	-۱,۸	کهگیلویه و بویراحمد	۰,۳۳۵	۰,۳۸۰	۱۳,۶
تهران	۰,۳۷۷	۰,۳۸۶	۲,۴	گلستان	۰,۳۹۲	۰,۳۵۹	-۸,۳
چهارمحال و بختیاری	۰,۳۶۰	۰,۳۵۵	-۱,۲	گیلان	۰,۳۶۷	۰,۴۱۲	۱۲,۲
خراسان جنوبی	۰,۴۰۲	۰,۴۶۷	۱۶,۲	لرستان	۰,۴۱۰	۰,۴۷۵	۱۵,۶
خراسان رضوی	۰,۴۲۲	۰,۴۱۸	-۰,۹	مازندران	۰,۳۳۸	۰,۳۴۶	۲,۵
خراسان شمالی	۰,۴۴۹	۰,۴۱۴	-۷,۸	مرکزی	۰,۴۱۶	۰,۴۰۷	-۲
خوزستان	۰,۳۴۹	۰,۳۹۹	۱۴,۵	هرمزگان	۰,۳۴۸	۰,۳۵۸	۲,۷
زنجان	۰,۴۴۴	۰,۴۴۶	۰,۳	همدان	۰,۳۹۹	۰,۳۹۱	-۲
سمنان	۰,۳۴۵	۰,۳۵۰	۱,۵	یزد	۰,۳۴۱	۰,۳۳۵	-۱,۷
سیستان و بلوچستان	۰,۳۴۶	۰,۴۹۳	۴۲,۵	میانگین	۰,۳۸۸	۰,۴۰۶	۴,۶

منبع: یافته های تحقیق، ۱۳۹۵.

ج) تغییرات و تحولات ساختار اقتصاد کشاورزی در روستاهای مناطق ایران

به دنبال پاسخ این پرسش که تولید و رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی در میان مناطق ایران به نسبت اقتصاد مرجع چگونه بوده است؟ از تحلیل انتقال-سهم استفاده شد که یافته‌ها نشان داد جدول (۷) در استان‌های تهران، البرز و اصفهان تولید ارزش افزوده از بخش کشاورزی رشد منفی داشته است و به نوعی حاکی از کاهش سهم این مناطق در تولید ثروت از بخش کشاورزی در مقیاس ملی است. همچنین استان‌های مرکزی، کرمان، کرمانشاه، گلستان و قزوین، به ترتیب دارای بالاترین سهم و رشد تولید ارزش افزوده از بخش کشاورزی در مقیاس اقتصاد مرجع و ملی بوده است.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.8.3]
[DOI: 10.29252/jgs.18.50.39]

جدول(۷). ضریب رقابت مناطق ایران در تولید ارزش افزوده از بخش کشاورزی طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۵

استان	میزان	استان	میزان
مرکزی	۰,۰۵۶	آذربایجان غربی	۰,۳۲۴
کرمان	۰,۰۸۷	همدان	۰,۳۴۶
کرمانشاه	۰,۱۱۲	سمنان	۰,۳۴۹
گلستان	۰,۱۲۴	هرمزگان	۰,۴۰۶
قزوین	۰,۱۴۷	خوزستان	۰,۴۰۷
اردبیل	۰,۱۸۱	لرستان	۰,۴۱۱
آذربایجان شرقی	۰,۱۹۴	فارس	۰,۴۱۵
چهارمحال و بختیاری	۰,۲۰۵	خراسان جنوبی	۰,۴۵۸
خراسان شمالی	۰,۲۰۵	مازندران	۰,۵۳
قم	۰,۲۱	بوشهر	۰,۶۸۸
کهگیلویه و بویراحمد	۰,۲۲۶	یزد	۰,۷۹۳
گیلان	۰,۲۲۷	سیستان و بلوچستان	۰,۷۹۸
زنجان	۰,۲۳۱	اصفهان	-۰,۰۴۶
کردستان	۰,۲۷۷	تهران	-۰,۰۵۱
ایلام	۰,۳۱۴	البرز	
خراسان رضوی	۰,۳۲۳	میانگین	۰,۲۹۸

منبع: یافته های تحقیق، ۱۳۹۵.

د) ارتباط توزیع ثروت نفت با تغییرات مؤلفه‌های ساختار اقتصاد روستایی مناطق

به منظور بررسی چگونگی ارتباط میان الگوی توزیع ثروت نفت میان استان‌های ایران با تغییرات مؤلفه‌های مبین ساختار اقتصاد روستایی این مناطق، از رگرسیون ساده خطی استفاده شده است. نتایج این آزمون برای پنج متغیر وابسته نشان داد جدول (۸) ارتباط مثبت و معناداری میان سهم مناطق از ثروت و درآمدهای نفتی با رشد نسبی اشتغال به کشاورزی در روستاهای مناطق در مقیاس اقتصاد مرجع وجود دارد؛ به گونه‌ای که در حدود ۲۶ درصد تغییرات متغیر وابسته ناشی از سهم نفتی مناطق است. در خصوص ارتباط میان سهم مناطق از ثروت نفت با رشد اشتغال در بخش‌های صنعت و خدمات فضاهای روستایی مناطق داده‌ها حاکی از عدم ارتباط معنادار بوده است.

سنجش چگونگی اثرگذاری سهم مناطق از درآمدهای نفتی با تنوع فعالیت در ساختار اقتصادی استان‌ها نیز نشان داد ارتباط مثبت و معناداری میان این دو متغیر وجود دارد و میزان ارتباط به گونه‌ای است که ۲۲ درصد تغییرات متغیر وابسته منوط به تغییرات متغیر مستقل یعنی میزان سهم از ثروت نفت است؛ دراین‌باره می‌توان گفت هرچقدر میزان دریافت استان‌ها از ثروت نفت بیشتر باشد، گرایش به تنوع فعالیت‌های اقتصاد روستایی نیز افزایش می‌یابد. همچنین، میزان سهم استان‌ها از ثروت نفت در بودجه‌های سنواتی دارای اثری مثبت بر

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.8.3]
[DOI: 10.29252/jgs.18.50.39]

رشد تولید ارزش افزوده بخش کشاورزی روستاهای مناطق در چارچوب اقتصاد مرجع (ملی) است به طوری که با تغییر متغیر مستقل، ۱۳ درصد تغییرات متغیر وابسته ناشی از آن می‌شود.

جدول(۸). خروجی رگرسیون‌های ارتباط متغیر توزیع درآمدهای نفتی میان مناطق با متغیرهای وابسته تحقیق

متغیر مستقل	متغیر وابسته	R	R^2	ضریب تعیین تعدیل‌شده	عرض از مبدأ (Constant)			ضریب تأثیر رگرسیونی			
					B	t	sig	B	Beta	t	sig
سهم مناطق از درآمدهای نفتی	رشد اشتغال کشاورزی روستاهای مناطق به نسبت اقتصاد مرجع	۰,۵۱۶	۰,۲۶۶	۰,۲۴۱	-۰,۱۱	-۲,۶۲۶	۰,۰۱۴	۰,۰۹۳	۰,۵۱۶	۳,۲۴۲	۰,۰۰۳
	رشد اشتغال صنعت روستاهای مناطق به نسبت اقتصاد مرجع	۰,۱۰	۰,۰۰۰	-۰,۰۳۴	-۰,۴۶	-۱,۹۳۸	۰,۰۶۲	۰,۰۰۱	۰,۰۱۶	۰,۰۵۵	۰,۹۵۶
	رشد اشتغال خدمات روستاهای مناطق به نسبت اقتصاد مرجع	۰,۲۲۴	۰,۰۵۰	۰,۰۱۷	-۰,۰۲۹	-۱,۲۴۷	۰,۲۲۲	-۰,۰۱۹	۰,۰۱۶	-۱,۲۳۶	۰,۲۲۶
	تنوع فعالیت در ساختار اقتصاد روستایی مناطق	۰,۴۶۸	۰,۲۱۹	۰,۱۹۲	۰,۰۲۸	۱,۵۳۱	۰,۰۳۷	۰,۰۳۶	۰,۰۱۳	۲,۸۵۱	۰,۰۰۸
	رشد تولید ارزش افزوده بخش کشاورزی روستاهای مناطق	۰,۳۵۶	۰,۱۲۷	۰,۰۹۶	۰,۲۵۱	۶,۱۵۳	۰,۰۰۰	۰,۰۵۷	۰,۰۲۸	۲,۰۵۰	۰,۰۵۰

منبع: یافته های تحقیق، ۱۳۹۵.

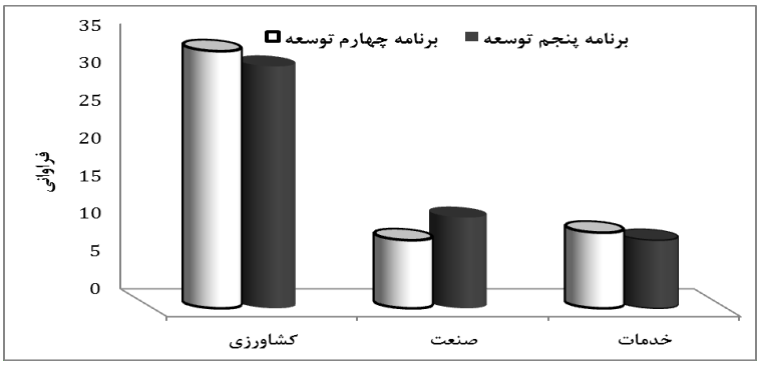
هـ) گرایشات سیاست‌گذاری برنامه‌ریزی ملی در خصوص بخش‌های سه‌گانه اقتصاد روستایی با تأکید بر برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه

بودجه سنواتی و نظام تخصیص آن به بخش‌های مختلف اقتصادی فضا، متأثر از جهت‌گیری‌های سیاست‌گذاری توسعه تحت عنوان برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پنج ساله توسعه است. در این خصوص، تحلیل محتوای برنامه چهارم توسعه پس از انقلاب نشان داد که میزان توجه به توسعه فعالیت‌های بخش کشاورزی در فضاهای روستایی برابر ۶۴ درصد، خدمات ۱۹ درصد و صنعت روستایی ۱۷ درصد بوده است. همچنین در

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.8.3]
[DOI: 10.29252/jgs.18.50.39]

برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پس از انقلاب ایران نیز در مجموع سیاست‌های توسعه اقتصادی روستاها، میزان توجه به رونق‌بخش کشاورزی با ۶۰ درصد در بالاترین سطح و پس از آن صنعت با ۲۳ درصد و خدمات با ۱۷ درصد قرار داشته است شکل (۵).

به طور کلی در برنامه‌های یادشده از سیاست‌های دولت برای رونق و توسعه فعالیت‌های بخش کشاورزی می‌توان به مواردی مانند پرداخت تسهیلات کم بهره و دارای کارمزد کم به فعالیت‌های بخش کشاورزی، اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم برای سرمایه‌گذاری و تأمین سودآوری کشاورزی، توسعه واحدهای کشت و صنعت، ارائه تسهیلات ویژه در راستای حصول خودکفایی در محصولات استراتژیک، سیاست‌های تضمین قیمت خرید محصولات، بیمه محصولات کشاورزی، تثبیت نظام مالکیت اراضی کشاورزی و ارائه تسهیلات نهادی و مالی به توسعه تعاونی‌های کشاورزی و دامداری را نام برد. در حوزه صنعت روستایی، سیاست‌های اتخاذشده به منظور رونق فعالیت‌های این بخش شامل گسترش خدمات زیربنایی (مانند راه، آب و برق)، پرداخت تسهیلات کم بهره با کارمزد کم به فعالیت‌های صنعتی روستایی، توسعه بخش تعاونی‌های تولید صنایع‌دستی، التزام نهادهای متولی به استقرار فعالیت‌های غیر کشاورزی در روستاها، حمایت از صنایع کوچک و خانگی، قیمت‌گذاری تشویقی برای کالاهای صنعتی روستایی و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی بوده است. به منظور ارتقاء نقش فعالیت‌های خدماتی در اقتصاد فضاهای روستایی، دولت سیاست‌هایی نظیر توسعه و بهبود خدمات پستی و مخابراتی در روستاها، نظارت بر قیمت خدمات عرضه‌شده در فضاهای روستایی، گسترش کانون‌های ورزشی در فضاهای روستایی با اولویت به‌کارگیری روستانشینان و توسعه نهادهای سیاسی و مدیریتی، تقویت بازارهای محلی و ارائه تسهیلات به منظور گسترش فعالیت‌های گردشگری را طرح‌ریزی نموده است.



شکل(۵). درصد توجه به بخش‌های سه گانه اقتصاد روستایی در برنامه‌ها چهارم و پنجم توسعه ایران

نتیجه‌گیری

هر ساله در قالب بودجه‌ی سنواتی و متممهایی که بعضاً دارای موضوع جبران کسری بودجه هستند، دولت عمده‌ی نیاز مالی و ثروت مورد نیاز مناطق (استان‌ها) کشور را به وسیله‌ی درآمدهای نفتی تأمین می‌نمایند. تغییرات تخصیص اعتبارات یا به تعبیر روشن‌تر توزیع ثروت نفت میان استان‌ها، از الگوی یکنواخت و موزونی در فضای سرزمینی برخوردار نیست. از این رو، می‌توان شاهد تفاوت‌های گاه شدید میان مناطق در برخورداری

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.8.3]
[DOI: 10.29252/jgs.18.50.39]

از ثروت نفت بود. از پیامدهای این نوع مدیریت متداول در اقتصاد سیاسی حاکم بر فضای ایران می‌توان از تغییرات اساسی در زیر نظام‌های اقتصاد فضا نظیر ساختار اقتصاد روستایی مناطق نام برد. نتایج این تحقیق نشان داد در متن فضایی عمده‌ی مناطق ایران برای شکوفایی، اقتصاد روستایی جهت گذار از رکود باید تلاش شود، تلاشی هر چند کم و ناچیز در قالب تنوع و پیچیده‌تر ساختن اندام و ارکان ساختار اقتصاد هستند اما با پایش تغییرات در مقیاس اقتصاد مرجع و کلان دیده می‌شود که این تلاش‌ها چندان منجر به تقویت و رشدیابی ساختار اقتصاد روستایی مناطق در اقتصاد ملی نشده است. بر این اساس، علی‌رغم اینکه ثروت نفت تخصیص‌یافته به اقتصاد مناطق از سوی مدیریت کلان سرزمین، دارای جایگاه قابل‌توجه و نقش معناداری در تغییرات اقتصاد محلی است اما در برنامه‌ریزی‌ها به گونه‌ای عمل نشده که نفت و درآمدهای ناشی از آن، چندان به کمک تقویت ارکان سازنده‌ی ساختار اقتصاد روستایی یعنی توسعه فعالیت‌های بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات روستایی بیاید و در این بین، سیر قهقرایی بخش صنعت به نسبت دو بخش دیگر، از سرعت بیشتری برخوردار است؛ رکود مضاعف بخش صنعت در فضای اقتصاد روستایی بدین معناست که گرایش به رشد و پیشرفت منطقی مطابق باتجربه‌ای که در کشورهای رشد یافته حاصل‌شده، پدیدار نخواهد شد. می‌توان انتظار داشت در عوض توسعه و پیشرفت، بر شدت عقب‌ماندگی نواحی روستایی افزوده شود.

به علاوه، با نگاهی بر محتوای برنامه‌های توسعه و نسبت اثرگذاری نفت بر ساختار اقتصاد فضای روستایی مناطق ایران نیز می‌توان نتیجه گرفت دلیل اثرپذیری معنادار "رشد سهم اشتغال و تولید ارزش افزوده بخش کشاورزی" از تغییرات "سهم مناطق از ثروت نفت" در مقایسه با دو بخش صنعت و خدمات این بوده که همواره سهم توجه و تأکید سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ها بر بخش کشاورزی چه در مقیاس ملی و یا منطقه‌ای، بیش از دو بخش صنعت و خدمات بوده است؛ به دنبال نابرابری در توجه سیاست‌گذاری‌ها به هر یک از سه بخش اقتصاد روستایی که حاکی از میزان توجه تا دو برابر بیشتر از بخش صنعت و خدمات به بخش کشاورزی است، اختلاف در معناداری اثر ثروت نفت بر رشد هر یک از بخش‌های اقتصاد روستایی پدیدار شده است؛ یعنی اثرپذیری ارکان ساختار اقتصاد روستایی (گروه‌های فعالیتی دایر در فضا) در ارتباط با این است که از سوی مدیریت کلان ملی و منطقه‌ای، چه حد آستانه‌ای هم برای سطح توجهات سیاست‌گذاری و هم میزان ثروت تخصیص‌یافته به هر یک از بخش‌های اقتصاد روستایی در نظر گرفته می‌شود. در مجموع می‌توان گفت، مدیریت کلان ملی و در مقیاس دیگر، مدیریت‌های محلی و منطقه‌ای، چندان به دنبال حفظ و تقویت ساختار اقتصاد روستایی (به عنوان اساس اقتصاد ملی) با بهره‌گیری از ثروت نفت نبوده است چرا که روزبه‌روز اندام‌های سازنده‌ی اقتصاد روستایی با واگذاری توان‌های رشد آفرین خود به فضاهای تولیدی و اقتصادی غیر از روستا، پیکره‌ای شکننده برجای گذارده‌اند. همچنین اینکه رویکرد توسعه مطابق با اصول لازم و با محوریت بخش پیش برنده، یعنی رشد و توسعه صنعتی نیست. در این شرایط تأکید بر توسعه کشاورزی (چنانکه در برنامه‌های توسعه مشهود است) ره به جایی نخواهد برد زیرا از پشتوانه مادی و منطقی لازم برخوردار نیست؛ دستگاه متصدی چنان ضرورتی را احساس نمی‌کند. اینکه دانشگاه‌ها و وزارتخانه‌ها و ازجمله وزارت جهاد کشاورزی تمام سعی خود را مصروف به‌کارگیری مدیران و وزیران باسابقه بالای دارند هنوز نتایج مطلوب اقتصاد روستایی حاصل نشده است.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.8.3]
[DOI: 10.29252/jgs.18.50.39]

منابع

ابراهیمی، محسن، سالاریان، محمد (۱۳۸۸). **بررسی پدیده‌ی نفرین منابع طبیعی در کشورهای صادرکننده‌ی نفت و تأثیر حضور در اوپک بر رشد اقتصادی کشورهای عضو آن**، فصلنامه اقتصاد مقداری، ۶(۱): ۱۰۰ـ ۷۷.

ابریشمی، حمید، درودیان، حسین، نوری، مهدی (۱۳۹۲). **چالش‌های اقتصاد ایران: تقابل دیدگاه‌های رقیب**، نشر نورعلم.

امیرخانی، رضا (۱۳۹۴). **نفحات نفت**، چاپ سیزدهم، تهران نشر افق.

باباخانی، مسعود؛ سجادی، سیدجعفر، پهلوانی، کیانا (۱۳۸۱). **نقش درآمدهای نفتی در رشد بخش کشاورزی ایران**، پژوهشنامه اقتصادی، ۶: ۱۳۴-۱۲۵.

جامساز، محمود (۱۳۸۷). **مست درآمدهای نفتی نشویم**، فصلنامه بانک و اقتصاد، ۹۱، صص ۵۵-۵۲.

جلیلیان، محمد (۱۳۸۳). **درآمد نفت، موهبت الهی یا عایدی نفرین‌شده**، ماهنامه فرهنگ و تعاون، نشریه داخلی اتحادیه تعاونی‌های مصرف فرهنگیان ایران، ۲۲:۳۱.

جوادی، شاهین (۱۳۸۸). **مدیریت اقتصاد کلان در کشورهای صادر کنند نفت**، ترجمه مجموعه مقالات، گروه نویسندگان، دفتر مطالعات برنامه و بودجه، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

خادم‌آدم، ناصر (۱۳۷۲الف). **سیاست توسعه: عوامل و موانع پیشرفت**، مجله اطلاعات سیاسی – اقتصادی، ۷۳و۷۴: ۹۳-۸۸.

خادم‌آدم، ناصر (۱۳۷۲ب). **سیاست توسعه تکنولوژی سازوار در اقتصاد روستایی**، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۵: ۱۱۲-۹۰.

رشیدی، علی (۱۳۸۱). **تحولات ساختاری اقتصاد ایران و تنگناهای توسعه صنعتی**، مجله اطلاعات سیاسی – اقتصادی، ۱۸۰-۱۷۹: ۱۹۹-۱۸۲.

رضوانی، محمدرضا (۱۳۹۰). **برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران**، نشرقومس.

زیاری، کرامت‌اله (۱۳۸۹). **اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای**، انتشارات دانشگاه تهران.

ژید، شارل،شارل، ریست (۱۳۸۰). **تاریخ عقاید اقتصادی**، جلد اول، ترجمه‌ی کریم سنجانی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

شیرین بخش، شمس الله، مقدس بیات، مریم (۱۳۸۹). **بررسی اثرات متقارن و نامتقارن شوک‌های نفتی بر ارزش افزوده بخش‌های کشاورزی و خدمات ایران**، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، (۷)۲۶.

صارمی، سمیه (۱۳۸۵). **اقتصاد نفت محور؛ چالش توسعه**، مجله برنامه، ۱۶۵: ۳-۲.

فراهانی، حسین (۱۳۸۵). **ارزیابی پایداری در نواحی روستایی با تأکید بر عوامل اجتماعی و اقتصادی: مطالعه موردی شهرستان تفرش**، رساله دکترای جغرافیای انسانی، گرایش برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.

کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۹۵). **ایران جامعه کوتاه مدت و ۳ مقاله دیگر**، ترجمه عبدالله کوثری، نشر نی.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.8.3]
[DOI: 10.29252/jgs.18.50.39]

کریم زاده، مصطفی، نصراللهی، خدیجه، صمدی، سعید، دلالی اصفهانی، رحیم، فخار، مجید (۱۳۸۸). **بررسی بیماری هلندی در اقتصاد ایران: تأثیرگذاری رابطه‌ی مبادله بر ساختار سرمایه‌گذاری**، فصلنامه اقتصاد مقداری، ۶(۴): ۱۷۲ـ۱۴۷.

کلانتری، خلیل (۱۳۹۱). **مدل‌های کمی در برنامه‌ریزی؛ منطقه‌ای، شهری و روستایی**، انتشارات فرهنگ صبا.

گسکری، ریحانه؛ اقبالی، علیرضا، حلافی، حمید رضا (۱۳۸۴). **بی‌ثباتی صادرات نفت و رشد اقتصادی ایران**، پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۲۴: ۹۴-۷۷.

گلابی، سیاوش (۱۳۷۴). **عوامل تاریخی توسعه‌نیافتگی در ایران**، مجله اطلاعات سیاسی – اقتصادی، ۱۰۱ و ۱۰۲: ۸۸-۸۲.

لیست، فردریک (۱۳۷۱). **قدرت صنعتی، خاستگاه قدرت فردی، اجتماعی، سیاسی و تولیدی یک ملت**، ترجمه ناصر معتمدی، مجله اطلاعات سیاسی – اقتصادی، ۵۹ و ۶۰: ۸۷-۸۴.

مطیعی‌لنگرودی، سیدحسن، نجفی‌کانی، علی اکبر (۱۳۹۰). **توسعه و صنعتی‌سازی روستا: نظریه‌ها، روش‌ها و راهبردهای توسعه ص**نعتی، موسسه انتشارات دانشگاه تهران.

معاونت حقوقی ریاست جمهوری (۱۳۸۵). **مجموعه قانون بودجه سال ۱۳۸۵ کل کشور**، اداره چاپ و انتشار معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات.

معاونت حقوقی ریاست جمهوری (۱۳۹۰). **مجموعه قانون بودجه سال ۱۳۹۰ کل کشور**، اداره چاپ و انتشار معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات.

مهرگان، نادر؛ موسائی، میثم، رضائی، روح الله (۱۳۸۹). **تحولات اشتغال زنان در ایران با استفاده از تحلیل انتقال – سهم**، فصلنامه علمی – پژوهشی رفاه اجتماعی، ۴۰: ۱۰۵-۹۴.

مؤمنی، فرشاد (۱۳۸۱). **اقتصاد سیاسی نفت و منافع ملی**، پگاه حوزه، ، ۸۷: ۱۳ـ۱۴.

مؤمنی، فرشاد، نقش‌تبریزی، بهرام (۱۳۹۴). **اقتصاد ایران در دوران دولت ملی**، تهران نشر نهادگرا.

نوبخت، محمدباقر (۱۳۸۸). **نفت، بخش پیشرو در توسعه نامتوازن ایران**، فصلنامه راهبرد، ۵۲، صص ۵۴-۳۵.

وانگ، ژین‌هائو، هوفه، راینرفوم (۱۳۹۰). **روش‌های تحلیلی در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای**، ترجمه مجتبی رفیعیان و ایوب شریفی، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.

Bruno, M. & Sachs, J. (1982). **Energy and Resource Allocation: A Dynamic Model of the Dutch Disease.** The Review of Economic Studies, 49(5):845-859.

Chenery, H. and Srinivasan, T.N., (1989), **Handbook of Development Economics**, Amesterdam: North Holland, Vol. 1.

http://vista.ir/article/321455 [2016.06.08]

Knudsen, Daniel C (2000). **Shift-share analysis: further examination of models for the description of economic change**. Socio-Economic Planning Sciences,. 34,. 177-198.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1397.18.50.8.3]
[DOI: 10.29252/jgs.18.50.39]